

احساس خشنودی به متن: «توطئه انتخابات» تحمیل استنباطات بر مفاهیم واژه ها»

با مطالعه این مقاله علمی دارای منطق قوی، مبتنی بر «ترمینولوژی» های معمول علمی، روزها قابلیت ذهنی و ذخایر حافظوی ام را در حالت سقوط قرار داد. نمی توانستم بسرعت لازم کلمات آغازین را بیابم، که چگونه احساس خوشی ام را، بحضور این هموطن دانشمند و نویسنده زبردست، **محترم جعفر ده نشین فاج شهر و پیشواز راه نظم و مدرنیزیشن اجتماع ما**، ابراز نمایم. حال هم آنچه در ذهن آرزو داشته ام، نیاقتم ولی طاقتم طاق شد، زیرا زمان احتمالی دور شدن مقاله از بخش «برگزیده های این هفته»، ممکن نزدیک باشد. خیلی بجا می دانم، تا از هموطنان رهبری «پورتال» افغان جرمن آنلاین که این «فرصت» را برای ما خوانندگان فراهم ساخته اند و از تشخیص آنها، بحیث مطلب برگزیده نیز تقدیر بعمل آورم.

از سالیان دراز بدینسو، همیشه در انتظار تحقق این آرزو بوده ام، تا در هر بخش زندگی و ساحات علمی، حیات سیاسی- اداری و اجتماعی - فرهنگی و غیره، دانشمندان مسلکی هر بخش، که بدون شک در صف میلیون ها مهاجر وطن عزیز ما، فارغ التحصیلان پوهنتون های پیشرفته جهان نیز وجود دارند، نوعی از تشکل ها و پیوند های مسلکی و علمی ایجاد گردد، تا در فضای سالم انسانی و معقول، راه های عملی و ممکن بیرون رفت ازین مرحله غمناک و تباہ کن کشور ما، بدون هیچنوع امتیاز فردی، به خوانندگان وطن ما یاری رسانیم. تا اکنون موانع بی شمار درین راه وجود داشته است، حال هم همه روزه در کار است. با به صحنه آمدن تخنیک پیشرفته «اطلاعاتی»، طوریکه میدانیم انواع چهره ها، و پیروان نظرات و مفکوره های مختلف، از هرکنج و کنار، به فعالیت آغاز نموده اند. فضای گرد آلود، تلاش های محرکین و اخلاکگران، «les provocateurs» و غیره انسانهای «راحت طلب» و «سود جو»، حتی بیشتر از انسانهای واقعیین و خونسرد، با عقل سلیم و بدن سالم، امکان «غرش» بیشتر دارند. رهبر نمائی های خود را از خانه های مهاجرت دور افتاده با بنیه مالی «سوسیال»، تبارز می دهند.

در راه نجات وطن ما، منجمله پاره نمودن پرده «تعارفات» و طرد شیوه برخورد «مراعات» های بیمورد از اشخاص «معروف» در هر نوع شرایط، بخاطر حفظ منافع ملی و خدمت به مردم، وظیفه مؤثر شمرده می شود، که **محترم جعفر ده نشین**، بحیث شخصیت پیشواز، به این راه قدم گذاشته اند و ما خوانندگان عادی را به تعاریف و مفاهیم علمی مروج در ساحه علمی و زبان بین المللی، یعنی مفاهیم مروج، بخصوص اصطلاحات حقوقی، منجمله «حقوق بین الدول»، تعاریف تیروریزم و حقوق بشر و غیره، که نویسنده گرامی، مقاله متذکره درین جهت، توجه خاص نموده اند، آگاه سازند.

چنین جرأت اخلاقی می تواند اقلاً گاه گاه، جلو «محدکین و آشوبگران» شعوری و مغرضین مشکوک الهویه، «فضل فروشان و خود خواهان» و سایر «جاه طلبان» مریض را هم تا حدی بگیرد. **یکبار دیگر برای ابراز سپاس ازین هموطن دانشمند، محترم جعفر ده نشین، که برآستی ایشان را تسخیر کننده و فاتح شهر و تمدن عالی اداری - سیاسی و حقوقی اجتماع بشری می دانم، درین راه از ایشان طلب ادامه هر چه بیشتر چنین مطالب آموزنده و رهنمود دهنده را بزبان می آورم.**

فقط در درک و قبول مفاهیم علمی مروج در عرصه بین المللی، که زبان خاصی را ایجاب می نماید و برای آموزش آن در جهان متمدن از «قرون» بدینسو، پوهنتون ها و مؤسسات بی شمار ایجاد گردیده اند، می تواند در حل مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بخش های رفاه و سعادت انسان، که مردم کشور ویران ما از دهه های طولانی در انتظار آن می باشند، بمثابة کلید مؤثر نقش داشته باشد. من بحیث یک انسان معمولی، وقتی نوشته آقای تره کی را خواندم، غرق تعجب شدم که این چه نوع درک از مفاهیم حقوقی سیاسی است، که «استاد سابق پوهنتون کابل» در حقیقت «جاکت پوشان انتحاری» را که مردم معصوم و بیگناه ما را در یک ثانیه، به نابودی می سپارند، در جمله «مقاومت» ملی تصنیف می کند، آخر ما در چه دنیایی بسر می بریم. ما از مردم عوام ما شکایت از «عالم بی عمل» را شنیده بودیم. بهر صورت کسی که عمل نمی کند، اشتباه هم ندارد. ولی افسوس به حال ما، که «عالم ماهر» را در نقش «تخریت» می بینیم. درینجا بی ربط نخواهد بود که به کلام بیدل نامدار منطقه ما که گفته است:

دپاتو شمیره: له ۱ تر 2

تیغ دادن در کف زندگی مست به که علم ناید ناکس را بدست

حالا می بینیم که عملی را حمایت میکند که از همه کودتا های خونین دنیا، بی رحمانه تر شمرده شده می تواند، چگونه از ذهن انسانی که سالها، مدعی تحصیل برای شناخت از ساختار دولت و نظام های قانونی، احتمالاً با استفاده از کدام «بورس» دولتی بوده باشد، ترشح می کند

در رسانه های گروهی، خود را «ستاره» محافل خاص نشان می دهد، افسوس به حال ما انسانهای عادی، که تا چه حد، در خطر انحرافات ذهنی، عمدی و غیر عمدی چنین افراد احتمالاً مریض قرار گرفته ایم.

هموطن دانشمند جعفر ده نشین، شما با این مقاله و توضیح علمی از «دوفکتو» که نوشته اید: « . . . حال ببینیم که شناخت «دوفکتو» در آثار با اعتبار و ترمینولوژی حقوق بین الدول چه تعریف و خصایلی دارد: . . .»، از تاریخ ۵۰۰۰ ساله کشور ما دفاع نموده اید، که وطن و خاک مقدس ما را در صف کشور های متمدن دنیا محسوب می دارد، ولی امروز در دست درنده های مختلف افتاده، هر کسی از آنها در فکر تاراج دارائی های ملی و تصاحب افتخارات به نام های خود اند.

نمونه های ضد مواضع علمی و ضد حفظ کشور ما در حلقه کشور های متمدن، با نمونه های دیگر مشابه آقای تره کی، آئینه کشور ما را مکرر ساخته اند، بعضی ها با وجود زندگی در مهاجرت، آنهم در پیشرفته ترین کشور های غربی، حالات مریضی احتمالی خود را نیز تحت تدای نگرفته اند، موازی با «کومپلکس های» مشهود حقارت و عدم داشتن قابلیت برای درک از اوضاع عینی جهان کنونی، بیشتر «نامه های سر گشاده» به زمامداران می فرستند، سر و کله آنها ممکن مصروف مردم نه، بلکه متوجه رقابت با قدرتمداران و رهبران باشد. یکعده هنوز هم نپذیرفته اند، که بر اساس «میثاق» معینه، هویت مهاجر دارند. اما با تقویت غذائی و شرایط مسترح معشیت، بسوی کشور، که در آن خود قدم گذاشته نمی توانند و یا نمی خواهند، هدایات می فرستند و با «دهن پاره خود، این ملت بیچاره» را با مهارت در دست تحریکات نا اندیشانه می سپارند. قدوسی

ختم